



عنوان مقاله:

# شفا عت و شبهه های پیرامون آن از دیدگاه علامه طباطبایی (ره)

استاد محترم:

جناب آقای دکتر رجبی

دانشجو:

مریم نظری دمع

گرایش تحصیلی:

مبانی نظری اسلام

(دوره سوم)

زمستان ۹۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## تقدیم به:

روح بزرگ عالم، فیلسوف و مفسر گرانقدر علامه طباطبائی (ره) که با تحقیق و تدوین آثار خویش  
به دفاع از حقانیت شیعه پرداخته اند.

## چکیده

این مقاله شفاعت و شبهه های پیرامون آن را از دیدگاه علامه طباطبائی (ره) مورد بررسی قرار داده است. ابتدا چیستی شفاعت از حیث لغت و اصطلاح و سپس انواع و فلسفه شفاعت را بیان نموده و از آن جایی که موضوع شفاعت مورد پذیرش اکثریت دانشمندان دینی است، اما به دلیل مشتبه و مبهم بودن آیات شفاعت از یک سو و برداشت ها و تفاسیر نادرست از این آیات از سوی دیگر، شبهات و ایراد هایی بر این موضوع به وجود آورده است که در پایان مقاله برای تبیین و روشن ساختن ماهیت حقیقی شفاعت به پاسخگویی آن ها اشاره شده است و در نهایت به این امر می رسد که شفاعت به منزله ی روزنه ی امیدی است که فرد از درگاه الهی ناامید نگشته و به رحمت حق تعالی امیدوار می گردد. البته وعده شفاعت نباید زمینه تجری به گناه را در فرد ایجاد کند بلکه باید او را از گام برداشتن در مسیر ضلالت و گمراهی باز دارد.

در این نوشتار شیوه جمع آوری اطلاعات به صورت کتابخانه ای بوده و با مطالعه تفسیر و کتب علامه طباطبائی (ره) و همچنین بر اساس آیات و روایات پیرامون این موضوع، گردآوری شده است.

**واژگان کلیدی:** شفاعت، اذن، شفیع، مشفوع له، شبهه.

## فهرست مطالب

| عنوان                                                                   | صفحه |
|-------------------------------------------------------------------------|------|
| مقدمه .....                                                             | ۱    |
| ۱- جیستی شفاعت .....                                                    | ۲    |
| ۱-۱ شفاعت در لغت .....                                                  | ۲    |
| ۱-۱-۱ زوج بودن .....                                                    | ۲    |
| ۱-۱-۲ انضمام و پیوستن .....                                             | ۲    |
| ۱-۲-۱-۱ پیوستن و ضمیمه شدن چیزی به چیز دیگر .....                       | ۲    |
| ۱-۲-۲-۱ ضمیمه کردن چیزی به همانند خود .....                             | ۳    |
| ۱-۳-۱ مقارنت و همراهی دو چیز .....                                      | ۳    |
| ۲-۱ شفاعت در اصطلاح .....                                               | ۳    |
| ۱-۲-۱ تعبیر عام .....                                                   | ۴    |
| ۱-۲-۱-۱ تکوین .....                                                     | ۴    |
| ۲-۲-۱ تشریع .....                                                       | ۴    |
| ۲-۲-۱ تعبیر خاص .....                                                   | ۴    |
| ۱-۲-۲-۱ تقویت و تکمیل فرد ضعیف .....                                    | ۴    |
| ۲-۲-۲-۱ تبدیل سیئه گناهکار به حسنه .....                                | ۵    |
| ۳-۱ انواع شفاعت .....                                                   | ۵    |
| ۱-۳-۱ شفاعت تکوینی .....                                                | ۶    |
| ۱-۳-۱-۱ سببیت تکوینی و رابطه آن با شفاعت .....                          | ۶    |
| ۲-۳-۱ شفاعت تشریعی .....                                                | ۷    |
| ۴-۱ فلسفه شفاعت .....                                                   | ۷    |
| ۱-۴-۱ تکامل مشفوع له .....                                              | ۷    |
| ۲-۴-۱ پیوند با الگوهای برتر .....                                       | ۸    |
| ۳-۴-۱ ایجاد روحیه امیدآوری .....                                        | ۹    |
| ۴-۴-۱ پشیمانی و توبه از گناه .....                                      | ۹    |
| ۵-۴-۱ ایجاد انگیزه گذشت .....                                           | ۹    |
| ۶-۴-۱ ایجاد انگیزه شفاعت .....                                          | ۹    |
| ۵-۱ اشکال و شبهه ها .....                                               | ۱۰   |
| ۵-۱-۱ اشکال اول: مخالفت شفاعت با حکم اولی خداوند .....                  | ۱۰   |
| ۵-۱-۱-۱ پاسخ نقضی .....                                                 | ۱۰   |
| ۵-۱-۲-۱ پاسخ حلی .....                                                  | ۱۱   |
| ۵-۲-۱ اشکال دوم: مخالفت شفاعت با سنت های تخلف ناپذیر خداوند .....       | ۱۱   |
| ۵-۲-۱-۱ پاسخ .....                                                      | ۱۱   |
| ۵-۳-۱ اشکال سوم: پذیرش شفاعت مستلزم دگرگونی در علم و اراده خداوند ..... | ۱۲   |
| ۵-۳-۱-۱ پاسخ .....                                                      | ۱۲   |
| ۵-۴-۱ اشکال چهارم: وعده شفاعت سبب جرات مردم بر معصیت .....              | ۱۳   |

معنای «مگر به اذن خداست» است؟ چنین کلامی از مردم عوام بیان نشده که به طریق اولی در قرآن کریم و کلام بلیغ خداوند ذکر نشده است. پس حق این است که آیات قرآنی شفاعت را به طور اجمال اثبات می کند. (همان، ج ۱، ص ۲۵۴) اما سنت: دلالت آن نیز مانند دلالت قرآن است، که روایات فراوان وجود دارد.

### ۱-۵-۶ اشکال ششم: عدم دلالت قرآن کریم بر رفع عقاب به وسیله شفاعت

اشکال ششم در باب شفاعت این است که آیات قرآن کریم دلالت صریحی ندارد بر این که شفاعت، عقابی را که روز قیامت پس از ثبوت جرم بر مجرمین ثابت شده برمی دارد، بلکه تنها این مقدار را ثابت می کند که انبیاء جنبه شفاعت و واسطگی را دارند و مراد به واسطگی انبیاء، این است که این حضرات به آن جهت که پیغمبرند، بین مردم و پروردگارشان واسطه می شوند، احکام الهی را به وسیله وحی می گیرند و به مردم تبلیغ می کنند و ایشان را به سوی پروردگارشان هدایت می کنند و این دخالت که انبیاء در سرنوشت مردم دارند، مانند بذری است که به تدریج سبز شود و نمو نماید و منشا قضا و قدرها و اوصاف و احوال شود، پس انبیاء علیهم السلام شفعان مومنین اند، زیرا در رشد و نمو و هدایت و برخورداری آنان از سعادت دنیا و آخرت دخالت دارند و این معنای شفاعت است.

#### ۱-۵-۶ پاسخ

معنایی که اشکال کننده از شفاعت بیان کرده، بحثی نیست و لکن این از مصادیق شفاعت است، نه این که معنایش منحصر به آن باشد، دلیل بر این عدم انحصار آیه «ان الله لا یغفر ان یشرك به و یغفر ما دون ذلک لمن یشاء» می باشد، این آیه در غیر مورد ایمان و توبه است، در حالی که اشکال کننده با بیان خود شفاعت را منحصر در دخالت انبیاء از مسیر دعوت به ایمان و توبه دانسته است و آیه نامبرده این انحصار را قبول ندارد، می فرماید: مغفرت از غیر مسیر ایمان و توبه نیز هست. (همان، ج ۱، ص ۲۵۵)

### ۱-۵-۷ اشکال هفتم: آیات مربوط به شفاعت از متشابهات اند و باید مسکوت گذاشته

#### شوند

اشکال دیگر بیان می کند اگر راه سعادت بشری با راهنمایی عقل قدم به قدم طی شود، هرگز به شفاعت نیازی نیست. آیات قرآنی نیز اگر به طور صریح آن را اثبات می نمود، چاره ای نداشت جز این که آن را برخلاف داوری عقل و به عنوان تعبد می پذیرفت، در صورتی که آیات قرآنی مربوط به شفاعت، تصریح در اثبات آن ندارند، آیه ای آن را نفی می کند و آیه دیگر به اثبات آن اشاره دارد و گاهی مقید و زمانی دیگر آن را مطلق ذکر می کند. پس به مقتضای دلالت عقل و ادب دینی، باید آیات شفاعت را از متشابهات قرآن دانست و آن را مسکوت گذاشت و علم آن ها را به خدای تعالی ارجاع داد.

#### ۱-۵-۷-۱ پاسخ

اگر متشابهات قرآن مسکوت گذاشته شود، معاذ الله خداوند متعال این آیات را بی فایده نازل نموده است؟! «ما لکم کیف تحکمون؟» (سوره صافات، آیه ۱۵۴) «وای بر شما! این چه حکمی است که می کنید؟». راه فهم و تفسیر آیات متشابه ارجاع آن به محکمت است. در صورت عدم فهم کامل از این آیات به راسخان در علم، یعنی اهل بیت علیهم السلام مراجعه می شود که ایشان تفسیر درست آیات را می دانند. اشکال کننده در حقیقت با این ادعا، سنت را انکار نموده است. در صورتی که اصحاب هنگامی تفسیر آیه ای را نمی دانستند یا به تفسیر قرآن به قرآن توجه داشته، یا از رسول خدا

صلی الله علیه و آله و سلم سوال می نمودند. ایشان اولین مصداق راسخان در علم می باشند و آن گاه پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز کسانی چون ابن عباس، تفسیر آیات را از امیرالمومنین علی علیه السلام می پرسیدند که به حکم «انا مدینه العلم و علی بابها؛ من شهر علمم و علی در آن شهر است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۴۰، ص ۲۰۰) و نیز «علی مع القرآن مع علی، لن یفترقا حتی یردا علی الحوض؛ علی با قرآن است و قرآن با علی است و از یکدیگر جدا نمی شوند تا در بهشت در کنار حوض کوثر بر من وارد شوند» (همان، ج ۳۸، ص ۲۷) مصداق دوم راسخان در علم است.

### ۱-۵-۸ اشکال هشتم: شفاعت نوعی شرک است

توسل و شفاعت خواستن از انبیاء و ائمه علیهم السلام و صالحین نوعی شرک و موجب کفر است؟ در تبیین و توضیح سوال باید گفت اولاً: به موجب براهین عقلیه آفرینش مختص به خداست و هر گونه تاثیر از آن اوست. میان اسباب و مسببات هیچ گونه رابطه ایجاد و تاثیر نیست بلکه عادت خداوندی بر این جاری شده که مسببات را به دنبال اسباب می آفریند بنابراین دارای قدرت نفسی و مبدا اثر دانستن انبیاء و اولیاء و توسل جستن و حاجت خواستن از ایشان شریک قرار دادن ایشان با خداست.

ثانیاً: خدای متعال در کلام خود می فرماید: «و قال ربکم ادعونی استجب لکم ان الذین یستکبرون عن عبادتی سیدخلون جهنم داخرین» (سوره مومن، آیه ۶۰) «پروردگارتان این دعوت را کرد که مرا بخوانید تا استجاب کنم به درستی کسانی که از عبادت من استکبار می ورزند به زودی با کمال ذلت داخل جهنم خواهند شد». از سیاق آیه روشن است، خدای متعال (دعا) را عبادت می شمارد و سرپیچی از عبادت و خواندن خدا را صریحاً وعده آتش می دهد و سرپیچی از عبادت، همان خواندن خداست و صریحاً شریک قرار دادن غیر خدا با خدای متعال است.

ثالثاً: رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در عمل در دعوت خود غیر مسلمانان، یعنی بت پرستان و اهل کتاب را کافر می دانست، در حالی که بت پرستان خدای متعال را خالق و رازق و مدبر عالم می دانستند و تنها مایه شرکشان این بود که ملائکه را شفیع قرار داده و از آن ها حاجت می خواستند یا اهل کتاب انبیای سلف را قبول داشتند و تنها مایه شرکشان این بود که بعد از درگذشتن انبیای سلف از ارواحشان حاجت خواسته و ایشان شفیع آن ها بودند.

رابعاً: آیات زیادی مانند آیه «قل لا یعلم من فی السماوات و الارض الغیب الا الله» (سوره نمل، آیه ۶۵) «بگو در آسمان ها و زمین جز خدای یکتا کسی غیب نداند». علم غیب را از مختصات خدایی می داند. انبیاء، از علم غیب بهره ای ندارند و بدیهی است که عالم دنیا برای اهل آخرت غیب است و هر انسانی حتی انبیاء و اولیاء پس از مرگ از اوضاع دنیا بی خبر می باشد پس حاجت خواهی و استشفاع از انبیاء و اولیاء پس از مرگ، شرک است.

### ۱-۵-۸ پاسخ

اما حجت اول، لازمه این قول این است که در جهان هستی نه موثری مستقل در تاثیر وجود دارد و نه واسطه غیر مستقل در تاثیر بلکه تاثیر مطلقاً از آن خداست و به عبارت دیگر علیت و معلولیت در میان موجودات انکار شود و علیت به خدای تعالی منحصر گردد.

این سخن مخالف صریح عقل فطری انسان است زیرا با پذیرفتن این سخن راه اثبات خدا و آفریدگار هستی به کلی بسته می شود، وجود خدای متعال را از معلوماتی که از جهان هستی به دست می آید، اثبات می شود. و وقتی که در میان موجودات خارجی و هم چنین در میان معلومات نظری و فکری، چیزی به نام توقف وجودی و رابطه علیت و معلولیت

وجود نداشته باشد، از کجا می توان فهمید که پدیده های جهان توقف وجودی و رابطه هستی با چیزی خارج از عالم (به نام آفریدگار جهان) دارند.

این که وقتی توقف وجودی و رابطه علیت نباشد، میان هر دلیل و نتیجه آن نیز رابطه قطع می شود و هیچ دلیلی مستلزم نتیجه خود نخواهد بود، زیرا هیچ رابطه ای میان هیچ دلیلی و نتیجه آن وجود ندارد و این معنا با علم به نتیجه جمع نمی شود و لازمه آن شک در همه چیز است.

ولی طبق هدایت فطرت انسانی، قانون علیت و معلولیت، قانونی عمومی و استثنا ناپذیر است، هر پدیده ای که مسبوق به عدم است، وجودش از خودش نیست، بلکه علتی فوق خود داشته باشد و علت آن و همه علل به یک علت «واجب الوجود» که خدای متعال می باشد در نتیجه عالم، عالم اسباب است و علت مستقل در تاثیر برای همه موجودات خدای متعال می باشد و علل دیگر که میان خدا و یک «معلول امکانی» قرار گرفته اند واسطه اند که فعل و اثر آن ها مانند انسانی که قلمی به دست گرفته، چیزی می نویسد. در این فرض قلم می نویسد و دست می نویسد و انسان می نویسد. هر سه چیز صحیح است، در حالی که نوشتن یک فعل بیشتر نیست و به سه موضوع نسبت داده می شود، ولی نویسنده مستقل در تاثیر «انسان» است و دست و قلم واسطه اند.

و اما حجت دوم که خواندن را عبادت معرفی می کند، بنابراین آیه کریمه، از دعایی نهی می کند که مقارن با اعتقاد استقلال در تاثیر طرف دعا باشد، نه از مطلق حاجت خواستن، حتی از واسطه و طریق که فعل و اثر او بعینه فعل و اثر صاحب واسطه است و حاجت خواستن از او حاجت خواستن از مستقل مفروض می باشد.

اما حجت سوم، آن چه در مشرک بودن بت پرستان گفته شده که بت پرستان شهادت می دادند که خداوند، خالق و رازق است، تدبیر می کند، ادعایی است که با حقیقت وفق ندارد، زیرا به نص کتب ادیان، کیش بت پرستی بر این اساس است که آفرینش و ایجاد همه عالم، از آن خدای تعالی می باشد ولی ذات مقدس و بی نهایت او، از روی حس و خیال و عقل قابل درک نیست تا به سوی او توجه شود. از این رو عبادت و پرستش او که باید با توجه باشد امکان ندارد و پس برخی از بندگان مقرب و مقتدر او را که شامل ملائکه و جن و پاکان عالم بشریت، پرستش می کنند تا آنان سبب نزدیکی و شفاعت نزد خداوند متعال گردند. اما آن چه در مورد اهل کتاب بیان شد که آنان انبیاء و بندگان صالح را پس از مرگ شریک خدا قرار داده و از ایشان حجت می خواستند و از این راه مشرک می شدند. ادعای بی دلیل دیگری است، اهل کتاب یعنی یهود و نصاری و غیر آن ها عموماً به واسطه قبول نپذیرفتن دعوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم کافر بودند.

اما حجت چهارم: نص قرآن کریم خلاف ادعا را بیان می کند و می فرماید: «عالم الغیب فلا یظهر علی غیبه

احدا الا من ارتضی من رسول» (سوره جن، آیه ۲۶) عالم بر غیب است پس جز او کسی غیب نمی داند چون او کسی را بر غیب خود مسلط نمی کند».

خدای متعال در این آیه تسلط بر غیب را از غیر خود نفی می کند و در عین حال رسول را استثنا می نماید و استثنا را مقید به دنیا و غیر دنیا نمی کند، پس ممکن است که رسول خدا (ص) در حال حیات و بعد از ممات به حسب خواست خدا و تعالیم الهی، از غیب اطلاع داشته باشد. (طباطبایی، ۱۳۸۷، ج ۱، ص ۱۴۵ - ۱۳۵) دلایل مطرح شده حاکی از این است که توسل و شفاعت خواستن از انبیاء و ائمه علیهم السلام نوعی از شرک نیست.

## نتیجه گیری

شفاعت در لغت از واژه "شفع" گرفته شده که به معنای جفت می باشد و در مقابل فرد یعنی تک قرار می گیرد، علامه طباطبایی با دو تعبیر عام و خاص معنای شفاعت را بیان می کند.

در تعبیر عام به وساطت در رساندن نفع و خیر و دفع ضرر و شر اشاره دارد و در تعبیر خاص معانی، تقویت و تکمیل فرد ضعیف، تبدیل سیئه و بدی گنهکار به حسنه و خوبی را مطرح می نماید. ایشان انواع شفاعت را در ذیل مصادیق سببیت و انطباق معنای شفاعت را در جهت تکوین و تشریع بر می شمارد.

براین اساس شفاعت دو قسم است: شفاعت تکوینی و شفاعت تشریعی. شفاعت مانند هر موضوع دیگری از فلسفه و حکمتی مانند تکامل مشفوع له، پیوند با الگوهای برتر، ایجاد روحیه ی بیداری، پشیمانی و توبه از گناه، ایجاد انگیزه و وساطت برخوردار است. شفاعت از موضوعاتی است که ایرادها و شبهه هایی بر آن وارد شده که علامه با پاسخ های حلی و نقضی به این شبهه ها حقیقت این آموزه ی اصیل را روشن نموده است. خدای سبحان، افاضه کننده ی تمامی عالم هستی، از حیات، موت، رزق، نعمت و... است. این ها از امور مختلفی می باشد که ارتباطشان با خدای سبحان یکسان نیست و به سبب یک رابطه نیست که اگر این گونه بود لازم می آمد که ارتباط و سببیت به کلی باطل شود. پس اگر شفاعتی واقع شود و عذاب از کسی برداشته شود، هیچ اختلاف و اختلالی در سنت جاری خدا لازم نیامده زیرا شفاعت اثر تعدادی از عوامل از قبیل رحمت، مغفرت و... است. همچنین ایشان بر اساس قانون علیت و معلولیت، شفاعت را نوعی شرک نمی داند.

## منابع و مأخذ

- \* قرآن کریم با ترجمه محمد باقر موسوی همدانی ترجمه تفسیرالمیزان.
۱. ابن زکریا، احمد بن فارس، معانی اللغه، تحقیق عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
  ۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
  ۳. بوستان کتاب (انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم)، مرزبان وحی و خرد، قم، ۱۳۸۱.
  ۴. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غررالحکم ودررالحکم، قم، نشر دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
  ۵. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء، چاپ چهارم، ۱۳۸۵.
  ۶. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، معاد شناسی، مشهد مقدس، انتشارات علامه طباطبائی، چاپ سوم، بی تا.
  ۷. حسینی، محب الدین؛ ابی فیض السید محمد مرتضی؛ تاج العروس من جواهر القاموس، تحقیق علی سیری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۹.
  ۸. راغب اصفهانی، محمد، مفردات الالفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داوودی، دمشق بیروت، دارالعلم ودارالشامی، ۱۴۱۲.
  ۹. شاه چراغی، محمدحسین، اثبات الشفاعه وثمره الطاعه، تهران، بی نا، ۱۳۶۱.
  ۱۰. طباطبائی، محمد حسین، اعجاز قرآن، تهران، مرکز نشر فرهنگی رجاء، ۱۳۶۲.
  ۱۱. طباطبائی، محمدحسین، المیزان فی تفسیر قرآن، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۴۱۷.
  ۱۲. طباطبائی، محمدحسین، بررسی های اسلامی، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۷.
  ۱۳. طباطبائی، محمدحسین، ترجمه المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۲.
  ۱۴. طباطبائی، محمدحسین، رساله الانسان (انسان از آغاز تا انجام)، ترجمه محمدصادق لاریجانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین قم، چاپ دوم، ۱۳۸۸.
  ۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، انتشارات هجرت، چاپ دوم، ۱۴۱۰.
  ۱۶. قرشی، سیدعلی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیادبعثت، چاپ سوم، ۱۳۷۷.
  ۱۷. قمی، عباس، مفاتیح الجنان، قم، نشر اسوه، ۱۳۵۹.
  ۱۸. مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، بیروت لبنان، موسسه الوفاء، ۱۴۰۳.
  ۱۹. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمه، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.
  ۲۰. مصطفوی، حسن، التحقيق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنیاد ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰.
  ۲۱. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹.